

بحثی در افسانه‌های عاشقانه ایرانی (با تکیه بر افسانه دختر فتنه خون‌ریز)

محمدجعفری قنواتی*

در میان افسانه‌های ایرانی یا بهتر است بگوییم افسانه‌هایی که در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی رواج دارند، «افسانه‌های عاشقانه» از جایگاه خاصی برخوردارند. مردمان این حوزه که گستره آن از آمودریا تا شبه‌قاره و از آنجا تا آسیای صغیر را در بر می‌گیرد، سده‌های طولانی چنین افسانه‌هایی را دوست داشته و آنها را سینه به سینه حفظ و نقل کرده‌اند. در مقایسه با غرب باید گفت که مردم مشرق‌زمین بویژه مردمی که در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی می‌زیسته‌اند، علاقه بیشتری به تدوین و اشاعه افسانه‌های عاشقانه داشته‌اند. علاقه مردم ایران به این افسانه‌ها به گونه‌ای است که بسیاری از سرگذشت‌های واقعی جوانان واله و شیدا، به افسانه‌هایی با روایت‌های متعدد تبدیل شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به مواردی از این سرگذشت‌ها در خراسان (میهن دوست، ۱۳۸۷: ۲۱)، خوزستان (پوره، ۱۳۸۱: ۱۶۹) و گیلان (سادات اشکوری، ۱۳۵۴: ۹۲) اشاره کرد.

علاقه مردم به این گونه افسانه‌ها و رواج گسترده آنها، زمینه مناسبی فراهم کرده است که تأثیر معینی بر سایر گونه‌های ادب شفاهی بر جای گذارند. برای مثال با استناد به داستان عاشقانه لیلی و مجنون و نیز فرهاد و شیرین، چندین مثل ساخته شده است. همین علاقه سبب شده است تعداد قابل توجهی از شاعران برجسته ما با بهره‌گیری از این افسانه‌ها، به آفرینش‌های سترگی دست بزنند؛ نمونه آن خسرو و شیرین نظامی

* دانشجوی دوره دکتری رشته فولکلور در دانشگاه تاجیکستان

است. «برتلس» اعتقاد دارد که یکی از منابع نظامی در آفرینش این منظومه، روایت‌های شفاهی رایج در میان مردم آذربایجان بوده است. (برتلس، ۱۳۵۵: ۷۰).

اما افسانه‌های عاشقانه چگونه افسانه‌هایی هستند؟ آیا می‌توان به صرف وجود مناسبات عاشقانه در افسانه‌ای، آن را افسانه عاشقانه نامید؟ البته که چنین نیست. افسانه عاشقانه به افسانه‌ای گفته می‌شود که عشق و مناسبات ناشی از آن در مرکز افسانه باشد، به گونه‌ای که حذف موضوع عشق موجب اختلال جدی در افسانه شود و آن را بی‌معنی و مفهوم کند.

مطالعه دقیق افسانه‌های عاشقانه ایرانی نشان می‌دهد که این افسانه‌ها ویژگی‌های معینی دارند، ویژگی‌هایی که آنها را از افسانه‌های ملت‌های همجوار، مانند مردم عرب، متمایز می‌کند.

یکی از جالب‌ترین و در عین حال نمونه‌وارترین (types call) آنها، افسانه دختر فتنه خونریز است که در مجموعه قصه‌های ایرانی از زنده‌یاد انجوی شیرازی چاپ شده است.^{*} به دلیل اهمیت این افسانه و نیز با توجه به مناسبت انتشار این ویژه‌نامه، نگارنده می‌کوشد با استناد به همین افسانه ویژگی‌های افسانه‌های ایرانی را تا حد امکان توضیح دهد.

خلاصه افسانه: پادشاهی که به سن پیری رسیده اما پسری ندارد که پس از او صاحب تاج و تخت شود، به پیشنهاد وزیر، با دختر او ازدواج می‌کند. حاصل این ازدواج، پسری به نام شاهزاده ابراهیم است. شاهزاده ابراهیم روزی عکس دختری را در دست پیرمردی می‌بیند، همین امر او را شیدا و شیفته صاحب عکس می‌کند، بعدها مشخص می‌شود صاحب عکس، دختر پادشاه چین است.

شاهزاده ابراهیم به تنهایی به چین سفر می‌کند. بعد از مدتی سرگردانی، با پیرزنی دنیادیده و مجرب که شخصیت او خالی از مکر و حيله نیست، آشنا می‌شود. وقتی شاهزاده ابراهیم علت سفر خود را برای او می‌گوید، پیرزن به او خبر می‌دهد که دختر

*. ر.ک: انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، قصه‌های ایرانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵.

پادشاه تا کنون همه خواستگاران خود را به قتل رسانده است و به همین دلیل به او دختر فتنه خون‌ریز می‌گویند، به این ترتیب پیرزن، شاهزاده ابراهیم را از رفتن به خواستگاری برحذر می‌دارد اما با اصرار شاهزاده ابراهیم، قول مساعدت می‌دهد و پس از آن با رفتن پیش دختر و با مکر و حيله متوجه می‌شود که او خوابی دیده و همین خواب موجب تنفر وی از مردان شده است. خواب او به این ترتیب بوده که آهوی نری به جفت خود که گرفتار دام صیادی شده کمک نکرده است. با همکاری پیرزن و طی اقدامات مختلف، دختر فتنه خون‌ریز و شاهزاده ابراهیم در مقابل هم قرار می‌گیرند. این بار شاهزاده ابراهیم به توصیه پیرزن خوابی دروغین مانند خواب دختر را برای او تعریف می‌کند با این تفاوت که علت کمک نکردن آهوی نر، گرفتار شدن او در دست صیادی دیگر بوده است. دختر متوجه می‌شود که تا کنون در اشتباه بوده و در نتیجه از کار خود منصرف و پشیمان می‌شود و به پدر خود پیشنهاد می‌کند او را به عقد شاهزاده ابراهیم دریاورد.

روایت‌های دیگر این افسانه: از این افسانه روایت‌های گوناگونی در ادب شفاهی و کتبی ما وجود دارد که به برخی از آنها به صورت مختصر اشاره می‌شود:

۱- محسن میهن‌دوست روایتی را به نام «تاج احمد» در خراسان ضبط کرده است (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۸۱). پایان‌بندی این روایت، با روایت استاد انجوی متفاوت است.
۲- نگارنده این سطور، روایتی به نام آهوی نر و ماده در خوزستان ضبط و منتشر کرده است (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۳۹). خطوط کلی این روایت، با روایت دختر فتنه خون‌ریز شباهت فراوانی دارد.

۳- در طوطی‌نامه ضیا نخشی نیز روایتی از این افسانه در شب چهلم با عنوان «داستان فغفور چین و وزیر دانا و ملکه روم و طاووس و ماده طاووس و آهو و ماده آهو و عقد کردن فغفور چین ملکه روم را» آمده است (نخشی، ۱۳۷۲: ۳۲۷). این روایت نیز در خطوط کلی خود با روایت مورد نظر ما مشابه است.

۴- در هزار و یک شب دو داستان طولانی یکی به نام اردشیر و حیات‌النفوس و دیگری با عنوان تاج‌الملوک آمده است که در هر دو، روایتی از افسانه مورد نظر وجود

دارد، (هزار و یک‌شب، ج ۲، ۱۳۷۸: ۱؛ ج ۵: ۹۲) پایان هر دو روایت، با روایت مورد نظر ما متفاوت است؛ به دلیل اهمیت این تفاوت به آن اشاره می‌شود. در روایت هزار و یک شب، پس از آنکه نظر دختر دربارهٔ مردان تغییر می‌کند و شیفته تاج‌الملوک، شاهزاده ایران می‌شود او را به قصر خود می‌برد و در آنجا مخفی می‌کند تا اینکه موضوع فاش می‌شود. پدر دختر تصمیم می‌گیرد پسر را بکشد که در همان زمان لشکر شاه سلیمان (پدر تاج‌الملوک) به آنجا می‌رسد و شاهزاده را نجات می‌دهد.

ویژگی‌های افسانه‌های عاشقانه ایرانی: در افسانهٔ دختر فتنهٔ خون‌ریز، بن‌مایه‌ها و نکاتی وجود دارد که برخی، صرف‌نظر از نوع آن مختص افسانه‌های ایرانی به صورت عام بوده، برخی نیز مختص افسانه‌های عاشقانهٔ ایرانی است. از نمونهٔ اول، فقط به یک مورد یعنی «پادشاهی که تا سن پیری فرزند پسر ندارد» اشاره می‌کنم، این بن‌مایه، در همان ابتدای افسانه نقل می‌شود اما بن‌مایه‌ها و ویژگی‌های مورد دوم، به شرح و تفسیر مختصر نیاز دارد.

۱- اولین ویژگی به زندگی قهرمان افسانه یعنی شاهزاده مربوط می‌شود که در عین حال، رایج‌ترین بن‌مایه افسانه‌های عاشقانه ایرانی است. شاهزاده‌ای با شنیدن وصف زیبایی یک دختر یا دیدن او در خواب، یا دیدن تصویر دختر، عاشق او می‌شود. «میا گرهارد»، یکی از پژوهشگران هزار و یک شب، در این باره می‌گوید: «همهٔ داستان‌های عاشقانهٔ ایرانی بر محور معشوقه‌ای ناشناخته و گمنام می‌چرخند. طرح اصلی این قصه‌ها ساده است؛ قهرمان تنها با شنیدن نام یا وصف جمال دختری متعلق به سرزمینی دوردست، در دام عشقش گرفتار می‌شود، سپس عاشق برمی‌خیزد و به راه می‌افتد تا به معشوق بپیوندد و در نهایت، به یمن استقامت و پشتکار به وصال او می‌رسد.» (گرهارد، ۱۳۷۸: ۲۶۲)

همان‌گونه که در خلاصهٔ افسانهٔ دختر فتنهٔ خون‌ریز آمد، شاهزاده ابراهیم نیز با دیدن تصویر دختر پادشاه چین، واله و شیدای او می‌شود.

۲- از آنچه گرهارد می‌گوید و نیز با توجه به متن افسانهٔ مورد نظر می‌توان به بن‌مایهٔ

بحثی در افسانه‌های عاشقانه ایرانی (با تکیه بر افسانه دختر فتنه خون‌ریز) ❖ ۱۳۱

سفر به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های افسانه‌های عاشقانه ایرانی یاد کرد. شاهزاده ابراهیم برای رسیدن به دختر، به چین سفر می‌کند. یکی از پژوهشگران درباره توجیه بُن‌مایه سفر در افسانه‌های ایرانی می‌نویسد: «علت وجودی چنین داستان‌هایی را می‌توان در سرزمین پهناور ایران جستجو کرد. سرزمینی که به علت وسعت جغرافیایی‌اش دوری عاشق و معشوق و سفر را امری طبیعی جلوه می‌دهد» (ثمینی، ۱۳۷۸: ۶۲)

۳- یکی دیگر... از ویژگی‌های افسانه‌های عاشقانه ایرانی، نقش فعال قهرمان افسانه است. در این افسانه‌ها، قهرمان به هر کاری دست می‌زند تا به محبوب برسد. تحمل سختی‌های سفر دور و دراز، استقبال از خطر، استفاده از نیروی فکر و حتی به‌کارگیری مکر و حيله، همه نشان از نقش فعال قهرمان افسانه دارد.

این نقش فعال فقط شامل قهرمان اصلی یعنی عاشق نمی‌شود بلکه معشوق نیز در رسیدن عاشق نقش به نسبت فعالی دارد. در بسیاری از افسانه‌ها، معشوق خود امکان فرار با عاشق را فراهم می‌کند.

در افسانه دختر فتنه خون‌ریز، دختر پادشاه چین وقتی از اعمال گذشته خود پشیمان می‌شود، به پدرش پیغام می‌دهد که قصد دارد با شاهزاده ابراهیم ازدواج کند.

۴- یکی دیگر از ویژگی‌های این گونه افسانه‌ها، وجود شخصیتی به نام دایه یا پیرزن است که نقش دلال و واسطه را میان عاشق و معشوق بر عهده دارد. دایه و نقش آن، شخصیتی است که ریشه در واقعیات اجتماعی ایران دارد. در جامعه‌ای که مبتنی بر عرف و اخلاق خاصی است و ارتباط دختر و پسر محدودیت‌های معینی دارد، وجود چنین شخصیت‌هایی طبیعی جلوه می‌کند. بسیاری از پژوهشگران فرهنگ عامه* به وجود چنین شخصیتی در ازدواج دختران و پسران جوان اشاره کرده‌اند.

این شخصیت در منظومه‌های عاشقانه کتبی نیز حضوری کم و بیش فعال دارد. در افسانه دختر فتنه خون‌ریز، نقش دایه، بسیار فعال و نظرگیر است. وی علاوه بر میزبانی شاهزاده ابراهیم از همه توان و تجربه خویش برای وصال او و دختر پادشاه چین استفاده می‌کند حتی در این راه، مورد ضرب و شتم نیز واقع می‌شود.

۵- توجه به مسایل اخلاقی و همچنین عرف جامعه یکی از موارد مهم در افسانه‌های

*: (مؤید محسنی، شریعت‌زاده، کنیرایی، شکورزاده)

عاشقانه ایرانی است. در این افسانه‌ها، عاشق و معشوق تا پیش از عقد رسمی، به صورتی کاملاً آگاهانه خود را از مناسبات جنسی حفظ می‌کنند. این موضوع به شکل برجسته‌ای در منظومه‌های عاشقانه نیز به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد منشأ زمانی این موضوع، متأخر و مربوط به پس از اسلام یا حداکثر دوره ساسانیان است و با افسانه‌های کهن ایرانی ارتباط ندارد.

در داستان‌های عاشقانه شاهنامه و همچنین منظومه‌های عاشقانه بعد از آن، این ویژگی کاملاً برجسته می‌نماید. این برجستگی، در منظومه خسرو و شیرین شکل خاصی به خود می‌گیرد. شیرین به رغم شیدایی خود نسبت به خسرو، کمترین خطای اخلاقی را در مناسبات خود مرتکب نمی‌شود.

به هفت اورنگ روشن خورد سوگند به روشن نامه گیتی خداوند
که گر خون گریم از عشق جمالش نخواهم شد مگر جفت حلالش

(در شاهنامه فردوسی) پای‌بندی شیرین به مسایل اخلاقی و حفظ عفت خود در مناسبات با خسرو به گونه‌ای است که یکی از پژوهشگران در این زمینه گفته است شیرین «سیمای نمادین زن واله و شیدایی است که از ناشایست، بنا به حکم اخلاق و عرف جامعه می‌پرهیزد و دل‌شدگی‌اش با پاک‌دامنی همراه است.» (ستاری، ۱۳۸۳: ۳)

در افسانه دختر فتنه خون‌ریز، دختر پادشاه چین از پدر خود می‌خواهد که او را به عقد شاهزاده ابراهم درآورد. مقایسه این روایت با روایت هزار و یک شب، اهمیت این موضوع را آشکارتر می‌کند.

آنچه ذکر شد، بررسی مختصر ویژگی‌های افسانه‌های عاشقانه ایرانی با استناد به یک روایت مشخص بود که در این زمینه می‌توان آن را روایتی نمونه‌وار نامید. در ارتباط با افسانه‌های عاشقانه و تقسیم‌بندی‌های آنها، موارد دیگری وجود دارد که آن را به فرصتی دیگر واگذار می‌کنیم.

منابع

- ۱- برتلس، ی.ا، نظامی شاعر بزرگ آذربایجان، ترجمه حسین محمدزاده صدیق، تهران: پیوند، ۱۳۵۵.
- ۲- پوره، کاظم، موسیقی و ترانه‌های بختیاری، تهران: آزان، ۱۳۸۱.
- ۳- ثمنی، نغمه، عشق و شعبده (پژوهشی در هزار و یک شب)، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۸.
- ۴- جعفری (قنوتی)، محمد، روایت‌های شفاهی هزار و یک شب، تهران: علم، ۱۳۸۴.
- ۵- سادات اشکوری، کاظم، زایش یک افسانه، فصلنامه مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، شماره دوم، پاییز ۱۳۵۴.
- ۶- ستاری، جلال، سایه ایزوت و شکرخند شیرین، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
- ۷- شریعت‌زاده، سید اصغر، فرهنگ مردم شاهرود، تهران: مؤلف، ۱۳۷۰.
- ۸- شکورزاده، ابراهیم، فرهنگ عامه مردم خراسان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- ۹- کتیرایی، محمود، از خشت تا خشت، تهران: نشر ثالث، ۱۳۷۹.
- ۱۰- مؤید محسنی، مهری، فرهنگ عامیانه سیرجان، کرمان: بنیاد کرمان‌شناسی، ۱۳۸۱.
- ۱۱- میهن‌دوست، محسن، اوسنه‌های عاشقی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۸.
- ۱۲- میهن‌دوست، محسن، اوسنه‌های خواب و درنگی تحلیلی نظری در آنها، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- ۱۳- نخشبی، ضیا، طوطی‌نامه، به کوشش دکتر فتح‌الله... مجتبیایی و دکتر غلامعلی آریا، تهران: منوچهری، ۱۳۷۲.
- ۱۴- هزار و یک شب، تهران: جامی، ۱۳۷۸.